

# هنرهای زیبای ایران در ابریشم امروز

دکتر ریاحی

رئیس فرهنگي سفارت شاهنشاهی در ترکیه

روز دوشنبه ۱۶ اردیبهشت ماه ۴۷ آقای ریاحی رئیس فرهنگي سفارت شاهنشاهی در ترکیه بنا بدعوت انجمن دوستی و فرهنگي زنان ترك و ایران در قنار دانشگاه زبان و تاریخ و جغرافیای دانشگاه آنکارا پیرامون هنرهای زیبا سخنانی ایراد کردند که در زیر بنظر خوانندگان گرامی میرسد:

بطوریکه میدانید ایرانی روحی زیباپرست و عاشق و تشنه هنر دارد: شعرای ایران، مینیاتور ایران، قالی ایران، کاشیهای مساجد ایران، خطوط خوش کتابهای ایران، همه نمونههایی از شور و علاقه ایرانیان به هنر و زیبایی است. این روح سحر آفرین در طی تاریخ دور و دراز ایران دوام داشته و در هر عصری در یک زمینه هنری تجلی و جھش بیشتری نشان داده و در همه حال آثاری بوجود آورده که معرف ملت ایران است.

در قرون اخیر در برخورد با تمدن اروپائی نگرانی این بود که هنر اصیل و ملی ایرانی در بعضی زمینهها با انحطاط گراید و بزبون هنر جدید اروپائی گردد. درباره ای هنرهای دستی نیز از قبیل مینیاتور و تذهیب و جلدسازی و خاتم سازی و مینا کاری و قلمزنی و نقره کاری و منبت کاری و زری بافی و کاشی سازی و قالی بافی نیز حقیقتاً در ابتدا رکود و سکونی پیش آمد، اما بموقع تدابیر لازم اتخاذ شد. دولت استادان و هنرمندان چیره دست را از کنار و گوشه مملکت گرد آورد و تشویق کرد و وسائل لازم در اختیار آنها گذاشت و بطوریکه امروز در کارگاههای وزارت فرهنگ و هنر اصیل ترین نمونههای هنرهای ملی از زیر دست استادان افسونکار بیرون میآید و حقیقتاً روح تازه ای در کالبد این هنرها دمیده شده است.

درباره قالی ایران حاجت بی بحث زیاد نیست پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

این هنر در ایران گذشته ای دور و دراز دارد. قدیم ترین قالی ایران از دوره هخامنشی مربوط بقرن پنجم قبل از میلاد از طبقات منجمد پازیریک در کوههای آلتائی کشف شده است. در دوره شاهنشاهی ساسانی این صنعت بکمال رسید و معروفترین شاهکارهای آن عصر فرش بهارستان و همچنین زمستان خسرو فرشی ابریشمین با تارها و پودهای زرین و سیمین بود که با جواهرات زینت یافته بود و اندازه های آن ۲۴ × ۳۶ متر بود. پرفسور آتور پوپ ایران شناس معروف بهای آن را بالغ بر صد میلیون دلار تخمین زده است.

امروز قالیهایی که از قرن شانزدهم و هفدهم یادگار مانده زینت بخش موزه هاست بقول پوپ طرح روشن و دقیق و بافت ظریف و تخیلات شاعرانه طراحان و بافندگان آنها را بصورت شاهکارهای جاودانی در آورده و هر یک از آنها مثل یک قطعه موسیقی سمفونی هم آهنگ، ولذت بخش چشم و جان بینندگان است.

در سالهای اخیر برای حفظ و پیشرفت هنر قالیبافی و بکار بردن مصالح و نقشه های مرغوب کوشش بسیاری بکاررفته و طراحان و هنرمندان با راهنمایی دولت نقشه های جدیدی بر مبنای هنر اصیل ملی تهیه کرده اند که از لحاظ سرعت بافت و ارزشی قیمت تأثیر بسیاری در کار فرش

بخشیده است. این قبیل نقشه‌ها بصورت قالبچه در کارگاه قالبی بافی وزارت فرهنگ و هنر تهیه و در موزه هنرهای ملی بنمایش نهاده میشود و نقشه آنها مجاناً در اختیار خواستاران گذاشته میشود. مقدمات تأسیس «موزه قالبی ایران» نیز فراهم شده و این موزه علاوه بر آنکه جنبه هنری و تحقیقی خواهد داشت مرکزی برای راهنمایی قالبی بافان خواهد بود.

یکی دیگر از هنرهای ظریف ایران خوشنویسی است. این هنر نیز ابتدا با رواج چاپخانه و بعد با معمول شدن ماشین تحریر در خطر نابودی قرار گرفت اما از کوشش در حفظ این هنر نیز مضایقه نمیشود و کتبی که از آثار خوشنویسان معاصر بصورت افست بچاپ رسیده و میرسد نشانه ادامه این هنر در ایران است.

آنچه با اشاره بر مردم هنرهای ملی و محلی ایرانی است که طبعاً نباید توقع داشت که من بعد از اوج اعتلای که در طی قرون بدان رسیده بوده بالاتر رود اینک درباره هنرهای دیگری که در جهان امروزی اهمیت بیشتری دارد: از معماری و نقاشی و مجسمه سازی و موسیقی و تئاتر و سینما و سایر ترقیات این هنرها در ایران اندکی بتفصیل سخن میگویم:

هنر معماری در ایران سابقه‌ای دیرین و درخشان دارد. کاخهای هخامنشی و ساسانی و کاخها و مساجد دوره اسلامی نمایشگر اصالت خاص معماری ایرانی است. در ابتدای این قرن فریفتگی به تدریج خطر بزرگی برای معماری ملی ایران پدید آورد ولی امروز این خطر نیز شناخته شده و باینش و اراده هنرمندان و استادان فن و راهنمایی دستگاههای مسئول بر طرف شده است. در معماری جدید ایران که مهندسین فارغ التحصیل از دانشگاههای فنی و هنرهای زیبای دانشگاه تهران مدافع آن هستند کوشش میشود که ضمن استفاده از فنون و مصالح جدید و تأمین وسائل آسایش ساکنین بنا سبکهای اصیل ایرانی رعایت شود. در طرح ساختمان هتل ۳۷ طبقه‌ای که در ونک از محلات شمالی تهران ساخته میشود آخرین اصول فنی رعایت گردیده و در عین حال تزئینات داخلی آن رنگ خاص ایرانی دارد. هتل شاه عباس کبیر در اصفهان بیننده را بسیر جلال و شکوه اعصار افسانه‌ای پیشین میبرد و غرق ذوق و حیرت می‌سازد. موزه ایران باستان تهران مشابه طاقها و ایوانهای کاخهای ساسانی است. اخیراً بموجب تصمیم دولت شهرداری اصفهان از صدور پروانه برای ساختمانهایی که بسبکهای غیر ایرانی باشد خودداری می‌کند.

نقاشی و مجسمه سازی هم سابقه ۲۵۰۰ ساله در ایران دارد. شاید بسیاری از حضار محترم نقش سربازان جاویدان هخامنشی را در موزه لوور پاریس دیده باشند. اوراقی هم که از کتاب مانی در تورفان پیدا شده نمونه‌هایی از هنر نقاشی در پیش از اسلام و مؤید اعتلای این هنر در ایران باستان است.

دردوره اسلامی بعزت منع مذهبی مجسمه سازی در ایران منسوخ شد. نقاشی نیز مورد طعن بعضی از متعصبین مذهبی بود. با اینهمه مینیاتور ایرانی بعد از اعلای ظرافت و دقت رسید. در نیم قرن اخیر در هنر نقاشی هم پیشرفتهای مخصوصی تقییب هنرمندان ایران شده است. مرحوم کمال الملک و همچنین حسین بهزاد مینیاتور ساز معاصر ما جای خود را در تاریخ هنر ایران باز کرده‌اند و امروز علاوه بر محبوبیت و احترام در میان هموطنان خود در محافل هنری جهان نیز از شهرت دامتداری برخوردارند.

تشویقی که در بیست سال اخیر از نقاشی و پیکره سازی در ایران بعمل می‌آید زمینه مساعدی برای پیشرفت سریع این هنرها فراهم آورده است. جالب آنکه نقاشان و مجسمه سازان امروز ما در مکتبهای مختلفی کار می‌کنند. از سبکهای کهن تا نوین ترین شیوه‌های هنری طرفدارانی بین هنرمندان و هنردوستان دارد و این تنوع ذوقها و شیوه‌ها خود سرچشمه امیدی برای پیشرفت بیشتر این هنر در کشور ماست.

همانطور که ما چاپخانه و ماشین تحریر را موجب بیرون رفتن بازار خوشنویسی شمردیم شاید بعضیها هم عکاسی را رقیب نقاشی یا لااقل رقیب بعضی سبکهای آن بشمارند. در هر صورت این هنر نیز جای خود را در دل‌های اهل ذوق و هنر در کشور ما باز کرده

ونمایشگاههایی که همه ساله از آثار هنرمندان عکاسی در ایران برگزار میشود میزان علاقه مردم و هنرمندان و پیشرفت محسوس این هنر را نشان میدهد. در نمایشگاه عکاسی سنتوکه در سال ۱۹۶۶ در آنکارا دایر گردید هنردوستان ترك با نمونههایی از این نوع هنر ایران آشنا شدند. يك هنرمند عکاس بنام دكتر هادی در ۱۰ سال اخیر ۳۰۰۰ عكس از آثار و اشیاء تاریخی و باستانی گرفته و ۱۶۰ قطعه از آنها بنام «رد پای اعصار» در ۱۹۶۶ درموزه لوور پاریس بنمایش گذاشته شد.

اکنون چند کلمه باختصار درباره موسیقی ایرانی بگویم:

نیازی نمی بینم که از روایات مربوط به رواج این هنر در قدیم ترین اعصار در ایران که در آثار هرودوت و گزنوفن مورخین یونانی آمده ذکر می بکنم. زیرا ناگفته پیداست که ترد هر ملت موسیقی قدیم ترین هنر است. اما اشاره باین نکته بجاست که در دوره شاهنشاهی ساسانی که روزگار اعتلاء هنر ایران بود در درجه اول موسیقی و بموازات آن شعر و رقص باوج ترقی رسیده بود و داستانهای زیادی از توجه بهرام گور و خسرو پرویز بهر موسیقی ورد زبانهاست. اما بعد از انتشار اسلام و تردید بعضی از فقها در جواز آن این هنر ارزنده از سیر و پیشرفت شایسته بازماند. بعضی از فقها استفاده از آواز خوش را فقط در اذان و قرائت قرآن جایز می شمردند و بکار بردن سازها (آن هم فقط بعضی انواع ساده آن) را در عروسیها اجازه میدادند. با این همه موسیقی در ایران اگر پیش نرفت نابود هم نشد. اهل دل و ذوق و عرفان دور از چشم شیخ و محتسب بنوای نی و چنگ غم از دل می زدودند. شاعران بزرگی مثل رودکی با آهنگ موسیقی دلهای امیران را نرم میکردند و موسیقی شناسان بزرگی مثل صفی الدین ارموی، عبدالقادر مراغی و محمود شیرازی اصول علمی موسیقی ایرانی را تدوین کردند. در روزشخانههای ایران که زورخانه نامیده میشود شاهنامه خوانی هنوز یادگاری از موسیقی قرون گذشته است.

با اینهمه هنر موسیقی در نظر عوام فن شریفی شمرده نمیشد و هنرمندان این فن را «مطرب» می نامیدند و دستههای مطربان فقط در عروسیها حضور می یافتند. برای اجتماع مردان مطربان مرد و برای محافل زنان «زنان مطرب».

در صد سال اخیر با انتشار فرهنگ جدید توجهی بموسیقی پدید آمد. ابتدا «موزیک نظام» تشکیل شد و بعد اندك اندك موسیقی بعنوان يك هنر ارزنده مورد قبول عامه قرار گرفت. از سال ۱۳۱۲ (۱۹۳۳) تعلیم موسیقی جزو برنامه دبستانها و دوره اول دبیرستان قرار گرفت. در سال ۱۳۲۷ (۱۹۴۸) اداره ای بنام اداره موسیقی کشور تشکیل شد که هدف آن تشویق موسیقی دانان و جمع آوری وثیقت و ضبط آهنگهای ملی و محلی و تنظیم آنها برای ارکستر و ترویج موسیقی جدید بود و تحت نظر آن اداره يك هنرستان ملی در تهران و چند هنرستان عالی موسیقی و يك هنرستان موسیقی در مراکز استانها دائر گردید که بنوبه خود سروسامان جدیدی بموسیقی ایران داد.

از ۱۳۱۸ (۱۹۳۹) با تأسیس رادیو تهران و اجرای برنامههای موسیقی بطور منظم در رادیو موسیقی ایرانی در سراسر ایران در هر شهر و ده راه یافته است و شهرت و محبوبیتی که چند تن خوانندگان خوش آواز بدست آورده اند اصطلاح مطرب را منسوخ کرده است. امروز موسیقی ایران از توسعه و تنوع فراوانی برخوردار است انواع موسیقی غربی و موسیقی ملی و کلاسیک ایران و موسیقی محلی هر یک بجای خود هنرمندان و طرفدارانی دارد. علاوه بر يك مجله ماهیانه علمی و تحقیقی که از طرف وزارت فرهنگ و هنر منتشر میشود و حاوی تبیعات علمی در زمینه موسیقی کهن ایران و آخرین سبکهای غربی است روزنامهها و نشریات هفتگی نیز با علاقه خاصی مسائل مربوط بموسیقی را مطرح و منتشر میکنند و مجموع

اینها نشانه علاقه خوانندگان نشریات و مردم ایران باین هنر است .  
در ۱۳۴۰ (۱۹۶۱) با انتشار ردیف موسیقی ملی ایران از طرف هنرهای زیبای کشور  
نگرانی از نابودی و فراموشی موسیقی اصیل ایرانی ازمیان رفت .  
امروز آهنگسازان جدید با کسب الهام از موسیقی اصیل ایران و استفاده از تکنیک موسیقی  
غربی میکوشند تا موسیقی جدید ایران را بصورتی در آورند که قابل فهم و درک ملل مغرب زمین  
و مورد پسند و لذت آنان نیز باشد .

### اکنون چند کلمه درباره تئاتر ایران بگویم :

تئاتر در ایران ریشه و سابقه‌ای برابر با سایر هنرها ندارد و اگر درباره مجسمه سازی  
و نقاشی و موسیقی نظریات و نفوذ بعضی فقه‌های قشری را از موانع پیشرفت آن هنرها شعر دیم  
اما در مورد تئاتر برعکس است و نخستین جوانه‌های تئاتر در ایران تحت تأثیر احساسات مذهبی  
بیان آمده است .

بطوریکه میدانید تئاتر کلاسیک یونان هم که در حدود ۷۰۰ سال پیش از میلاد بظهور رسید  
ابتدا رنگ مذهبی داشت و ۲۰۰ سال طول کشید تا از صورت مذهبی درآمد و رنگ و روی هنری  
گرفت . و باز میدانید که در اروپا نیز نخستین نمایش که در قرن دهم میلادی پدید آمد ابتدا  
نمایشهای مذهبی بود و درست پنج قرن طول کشید تا تئاتر از مذهب جدا شد .

در قرن دهم میلادی در روزگار دیلمیان یک نوع نمایش مذهبی بنام (تعزیه) در ایران  
معمول گردید و رواج این نمایش در طی هزار سال در ایران بنا بر مقتضیات عصر کم و زیاد میشد .  
در این مورد اطلاعات فراوانی در سفرنامه‌های جهانگردان خارجی موجود است و عده‌ای  
از خاورشناسان نیز تحقیقات خاصی در این مورد بعمل آورده‌اند و از آن جمله تاکنون متجاوز  
از ۵۰ تعزیه بزبانهای اروپائی ترجمه و چاپ شده است .

در مجموعه (فهرست درامهای مذهبی ایران) تألیف رسی و بمباجی چاپ ۱۹۶۱ واتیکان  
نام و مشخصات ۱۰۵۵ تعزیه ایرانی جمع آوری شده است که اکثر آنها جنبه مذهبی و تعدادی نیز  
جنبه اخلاقی دارد .

در اواخر قرن نوزدهم با احداث بنای باشکوه بیست هزار نفری تکیه دولت در تهران  
زمینه ترقی تعزیه آماده شد و بشدت رواج گرفت اما بعدها بعلمت عدم تناسبی که با پیشرفت فرهنگ  
جدید داشت کم کم منسوخ شد و از بین رفت و نسلی امروزی فقط از راه مطالعه کتاب آن را بیاد می‌آورند .  
یک نوع تئاتر عامیانه محلی نیز در قرن اخیر در ایران معمول بود که شباهت بسیاری  
به (کاراگوز) ترکیه داشت و آن را (تئاتر روحوضی) می‌گفتند . این تئاتر در مجالس عروسی  
و سرور در خانه‌ها در روی حوضی که آن را با تخته می‌پوشاندند و گاهی در بعضی قهوه‌خانه‌ها  
بازی می‌شد . قهرمان اصلی در این بازی «سیاه» نام داشت که موجودی ساده لوح شوخ طبع  
و آزادمنش بود که با بدله گوئیهای خود بینندگان را می‌خندانید ضمناً نارواییهای جامعه را  
انتقاد میکرد .

تئاتر جدید در ایران با آغاز آشنائی با فرهنگ اروپائی بوجود آمد . از نیمه قرن نوزدهم  
اندک اندک با مسافرت ایرانیان پاروفا و آشنائی آنها با تئاتر اروپائی ابتدا نمایشنامه‌هایی از زبانهای  
اروپائی مخصوصاً فرانسه ترجمه گردید و نخستین این ترجمه‌ها میزانتروپ Missanthrope  
از آثار مولییر Molière بود که در سال ۱۸۷۰ در استانبول در مطبعه «تصویر افکار» تحت  
عنوان «گزارش مردم گریز» بصورت منظوم چاپ و منتشر گردید و این ترجمه از مولییر بی‌اختیار  
مرا بیاد احمد و فقیه پاشا سیاستمدار هنردوست ترك می‌اندازد که او هم نخستین بار نمایشنامه‌های  
مولییر را بترکی ترجمه کرد .

افتخار نگارش نخستین آثار بسبک نمایشنامه در ادبیات فارسی نصیب میرزا ملکم خان

ونمایشگاههایی که همه ساله از آثار هنرمندان عکاسی در ایران برگزار میشود میزان علاقه مردم و هنرمندان و پیشرفت محسوس این هنر را نشان میدهد. در نمایشگاه عکاسی سنتوکه در سال ۱۹۶۶ در آنکارا دایر گردید هنردوستان ترك با نمونه‌هایی از این نوع هنر ایران آشنا شدند. يك هنرمند عکاس بنام دكتر هادی در ۱۰ سال اخیر ۳۰۰۰ عکس از آثار و اشیاء تاریخی و باستانی گرفته و ۱۶۰ قطعه از آنها بنام «رد پای اعصار» در ۱۹۶۶ در موزه لوور پاریس بنمایش گذاشته شد.

اکنون چند کلمه باختصار درباره موسیقی ایرانی بگویم:

نیازی نمی‌بینم که از روایات مربوط به رواج این هنر در قدیم‌ترین اعصار در ایران که در آثار هرودوت و گرنوفن مورخین یونانی آمده ذکر می‌کنم. زیرا ناگفته پیداست که نزد هر ملت موسیقی قدیم‌ترین هنرهاست. اما اشاره باین نکته بجاست که در دوره شاهنشاهی ساسانی که روزگار اعتلاء هنر ایران بود در درجه اول موسیقی و بموازات آن شعر و رقص باوج ترقی رسیده بود و داستانهای زیادی از توجه بهرام گور و خسرو پرویز به هنر موسیقی ورد زبانهاست. اما بعد از انتشار اسلام و تردید بعضی از فقها در جواز آن این هنر ارزنده از سیر و پیشرفت شایسته بازماند. بعضی از فقها استفاده از آواز خوش را فقط در اذان و قرائت قرآن جایز می‌شمردند و بکار بردن سازها (آن هم فقط بعضی انواع ساده‌آن) را در عروسیها اجازة میدادند. با این همه موسیقی در ایران اگر پیش نرفت نابود هم نشد. اهل دل و ذوق و عرفان دور از چشم شیخ و محتسب بنوای نی و چنگ غم ازدل می‌زدودند. شاعران بزرگی مثل رودکی با افسون موسیقی دل‌های امیران را نرم میکردند و موسیقی‌شناسان بزرگی مثل صفی‌الدین ارموی، عبدالقادر مراغی و محمود شیرازی اصول علمی موسیقی ایرانی را تدوین کردند. در روزشخانه‌های ایران که زورخانه نامیده میشود شاهنامه خوانی هنوز یادگاری از موسیقی قرون گذشته است.

با اینهمه هنر موسیقی در نظر عوام فن شریفی شمرده نمیشد و هنرمندان این فن را «مطرب» می‌نامیدند و دسته‌های مطربان فقط در عروسیها حضور می‌یافتند. برای اجتماع مردان مطربان مرد و برای محافل زنان «زنان مطرب».

در صد سال اخیر با انتشار فرهنگ جدید توجهی به موسیقی پدید آمد. ابتدا «موزیک نظام» تشکیل شد و بعد اندک اندک موسیقی بعنوان يك هنر ارزنده مورد قبول عامه قرار گرفت. از سال ۱۳۱۲ (۱۹۳۳) تعلیم موسیقی جزو برنامه دبستانها و دوره اول دبیرستان قرار گرفت. در سال ۱۳۲۷ (۱۹۴۸) ادارای بنام اداره موسیقی کشور تشکیل شد که هدف آن تشویق موسیقی‌دانان و جمع‌آوری و ثبت و ضبط آهنگهای ملی و محلی و تنظیم آنها برای ارکستر و ترویج موسیقی جدید بود و تحت نظر آن اداره يك هنرستان ملی در تهران و چند هنرستان عالی موسیقی و يك هنرستان موسیقی در مراکز استانها دائر گردید که بنوبه خود سرسامان جدیدی به موسیقی ایران داد.

از ۱۳۱۸ (۱۹۳۹) با تأسیس رادیو تهران و اجرای برنامه‌های موسیقی بطور منظم در رادیو موسیقی ایرانی در سراسر ایران در هر شهر و ده راه یافته است و شهرت و محبوبیتی که چند تن خوانندگان خوش‌آواز بدست آورده‌اند اصطلاح مطرب را منسوخ کرده است.

امروز موسیقی ایران از توسعه و تنوع فراوانی برخوردار است انواع موسیقی غربی و موسیقی ملی و کلاسیک ایران و موسیقی محلی هر يك بجای خود هنرمندان و طرفدارانی دارد. علاوه بر يك مجله ماهیانه علمی و تحقیقی که از طرف وزارت فرهنگ و هنر منتشر میشود و حاوی تبیعات علمی در زمینه موسیقی کهن ایران و آخرین سبکهای غربی است روزنامه‌ها و نشریات هفتگی نیز با علاقه خاصی مسائل مربوط به موسیقی را مطرح و منتشر میکنند و مجموع

اینها نشانه علاقه خوانندگان نشریات و مردم ایران باین هنر است .  
در ۱۳۴۰ (۱۹۶۱) با انتشار ردیف موسیقی ملی ایران از طرف هنرهای زیبای کشور  
نگرانی از نابودی و فراموشی موسیقی اصیل ایرانی ازمیان رفت .  
امروز آهنگسازان جدید با کسب الهام از موسیقی اصیل ایران و استفاده از تکنیک موسیقی  
غربی میکوشند تا موسیقی جدید ایران را بصورتی درآوردند که قابل فهم و درک ملل مغربزمین  
و مورد پسند و لذت آنان نیز باشد .

### اکنون چند کلمه درباره تئاتر ایران بگویم :

تئاتر در ایران ریشه و سابقه‌ای برابر با سایر هنرها ندارد و اگر درباره مجسمه سازی  
و نقاشی و موسیقی نظریات و فنون بعضی فقهای قشری را ازموانع پیشرفت آن هنرها شمردیم  
اما در مورد تئاتر برعکس است و نخستین جواندهای تئاتر در ایران تحت تأثیر احساسات مذهبی  
بمیان آمده است .

بطوریکه میدانید تئاتر کلاسیک یونان هم که در حدود ۷۰۰ سال پیش از میلاد بظهور رسید  
ابتدا رنگ مذهبی داشت و ۲۰۰ سال طول کشید تا از صورت مذهبی درآمد و رنگ و روی هنری  
گرفت . و باز میدانید که در اروپا نیز نخستین نمایش که در قرن دهم میلادی پدید آمد ابتدا  
نمایشهای مذهبی بود و درست پنج قرن طول کشید تا تئاتر از مذهب جدا شد .

در قرن دهم میلادی در روزگار دیلمیان یک نوع نمایش مذهبی بنام (تعزیه) در ایران  
معمول گردید و رواج این نمایش در طی هزار سال در ایران بنا بقتضیات عصر کم و زیاد میشد .  
در این مورد اطلاعات فراوانی در سفرنامه‌های جهانگردان خارجی موجود است و عده‌ای  
از خاورشناسان نیز تحقیقات خاصی در این مورد بعمل آورده‌اند و از آن جمله تاکنون متجاوز  
از ۵۰ تعزیه بزبانهای اروپائی ترجمه و چاپ شده است .

در مجموعه (فهرست درامهای مذهبی ایران) تألیف رسی و بباجی چاپ ۱۹۶۱ و ایتیکان  
نام و مشخصات ۱۰۵۵ تعزیه ایرانی جمع آوری شده است که اکثر آنها جنبه مذهبی و تعدادی نیز  
جنبه اخلاقی دارد .

در اواخر قرن نوزدهم با احداث بنای باشکوه بیست هزار نفری تکیه دولت در تهران  
زمینه ترقی تعزیه آماده شد و شدت رواج گرفت اما بعدها بعلمت عدم تناسبی که با پیشرفت فرهنگ  
جدید داشت کم کم منسوخ شد و از بین رفت و نسلی امروزی فقط از راه مطالعه کتاب آن را بیاد می‌آورند .  
یک نوع تئاتر عامیانه محلی نیز در قرن اخیر در ایران معمول بود که شباهت بسیاری  
به (کاراگوز) ترکیه داشت و آن را (تئاتر روحوضی) می‌گفتند . این تئاتر در مجالس عروسی  
و سرور در خانه‌ها در روی حوضی که آن را با تخته می‌پوشانده و گاهی در بعضی قهوه‌خانه‌ها  
بازی می‌شد . قهرمان اصلی در این بازی «سیاه» نام داشت که موجودی ساده لوح شوخ طبع  
و آزادمنش بود که با بذله‌گوئیهای خود بینندگان را می‌خندانید ضمناً نارواییهای جامعه را  
انتقاد میکرد .

تئاتر جدید در ایران با آغاز آشنائی با فرهنگ اروپائی بوجود آمد . از نیمه قرن نوزدهم  
اندک اندک با مسافرت ایرانیان باروپا و آشنائی آنها با تئاتر اروپائی ابتدا نمایشنامه‌هایی از زبانهای  
اروپائی مخصوصاً فرانسه ترجمه گردید و نخستین این ترجمه‌ها میزانتروپ Misanthrope  
از آثار مولییر Molière بود که در سال ۱۸۷۰ در استانبول در مطبعه «تصویر افکار» تحت  
عنوان «گزارش مردم گریز» بصورت منظوم چاپ و منتشر گردید و این ترجمه از مولییر بی‌اختیار  
مرا بیاد احمد و فقیق پاشا سیاستمدار هنردوست ترك می‌اندازد که او هم نخستین بار نمایشنامه‌های  
مولییر را بترکی ترجمه کرد .

افتخار نگارش نخستین آثار بسبک نمایشنامه در ادبیات فارسی نصیب میرزا ملکم خان

سفیر ایران در لندن است که با نوشتن نمایشنامه‌های سیاسی و انتقادی شهرت یافت و نام خود را بنام یکی از پیشروان ادبیات جدید ایران جاویدان ساخت.

اما نخستین تالاری که بعنوان محل نمایش در ایران ساخته شده تالاری بود که بعد از سال ۱۸۵۱ در دارالفنون تهران نخستین مدرسه عالی بسک اروپائی در ایران بنا گردید. در این تالار ترجمه بعضی از نمایشنامه‌های فرانسوی بوسیله محصلین بروی صحنه می‌آمد.

آغاز فعالیت محسوس در زمینه تئاتر را بعد از انقلاب مشروطیت ایران در سال ۱۹۰۶ باید دانست. در آن ایام که فعالیت‌های ملی و سیاسی همه چیز را تحت تأثیر قرار داده بود، تئاتر بعنوان وسیله‌ای برای بیدار کردن روح ملی و آزادیخواهی در میان مردم انتخاب و مورد استفاده قرار گرفت.

عده‌ای از رجال روشنفکر جمعیتی برای این منظور تشکیل دادند و با ترجمه و چاپ نمایشنامه‌های خارجی قدم‌هایی در این راه برداشتند. برنامه‌های این گروه بیشتر جنبه ملی و انتقادی داشت و در هوای آزاد اجرا میشد. این گروه بعد از فعالیت‌های پراکنده سرانجام تماشاخانه‌ای بنام «تئاتر ملی» تشکیل داد که گنجایش ۲۵۰ تماشاگر را داشت.

علاقه مردم به تئاتر موجب شد که تماشاخانه‌های دیگری در گوشه و کنار تهران البته با وضعی محقرتر گشوده شد ولی اشکالاتی کهنه پرستان و متعصبین مانع عمده کار بود. باین معنی بعضی اینکه تماشاخانه‌ای رونق میگرفت عوام مردم بساطش را درهم می‌ریختند. اما کاروانی براه افتاده بود و بازگشت نداشت و با همه شدت مخالفتها و محدودیت امکانات پیش میرفت. در آن زمان طبعاً زن در صحنه‌ها راهی نداشت و نقش زنان را هم مردان و پسرانی که صدای نازک و قیافه‌ای متناسب داشتند بازی میکردند. مقارن با همان ایام دسته‌های مطرب و بازیگران (روحوزی) هم مؤسساتی بنام (بنگاه شادمانی) تأسیس کردند که در عروسها مردم را سرگرم میکردند. البته این بازیگران دسته‌های زنانه و مردانه جداگانه داشتند. در محافل مردان مطربان مرد شرکت میکردند و نقش زن با مردان بود و در مجالس زنان مطربان زن شرکت میکردند و نقش مرد با زن بود.

در شهرستانها نیز فعالیت محسوسی بوجود آمده بود مخصوصاً در دوشهر مهم رشت و اصفهان که تحت اشغال قوای خارجی بود و وطن پرستان تئاتر را وسیله‌ای برای بیدار کردن مردم و تقویت روحی آنان در برابر فشار خارجی تشخیص داده بودند.

در رشت نویسنده معروف یقینان با نوشتن و اجرای نمایشنامه‌های «انوشیروان عادل»، «برای وطن»، «داریوش سوم»، «حق با کیست»، «میدان دهشت» و «فاجعه یا راه خونین» شهرت و معروفیت بسزائی یافت.

در اصفهان نیز نمایشنامه‌های متعددی بروی صحنه آمد. معروفترین آنها رستم و سهراب از شاهنامه فردوسی بود. این نمایش بوسیله نویسنده و فیلسوف معروف ایرانی کاظم زاده ایرانشهر از شاهنامه فردوسی اقتباس و سال ۱۹۲۳ در برلن چاپ شده است. این نمایش با عظمت و شکوه خاصی در اصفهان اجرا گردید که هنوز خاطره پرشوران در ده‌های اصفهانها زنده است.

نخستین مؤسسه تئاتر که هنوز در تهران مشغول کار است سال ۱۹۱۸ بنام (کمپنی ایران) بوسیله سیدعلی نصر تأسیس شد. سیدعلی نصر سالها در اروپا تحصیل کرده بود و در زمینه تئاتر دید علمی و فنی داشت و با همه مشکلاتی که در آن آغاز کار در این زمینه موجود بود فعالیت صحیح خود را ادامه میداد. در این باره نصر در خاطرات خود چنین مینویسد:

«چون معدودی به تئاتر می‌آمدند ماهی دو نمایش زیادتر داده نمیشد و هر دفعه تئاتر جدیدی بود آنقدر مقاومت و پایداری کردیم تا رغبت مردم زیاد شد».

در همان روزها احمدخان کمال‌الوزاره با نوشتن نمایشنامه‌های متعدد که اکثر آنها چاپ

شده و بروی صحنه آمده این شیوه راهم در ادبیات فارسی رونق بخشید و بحقیقت اورا باید نخستین نمایشنامه‌نویس ایرانی دانست .

فراموش نکنیم که در همان روزها بسال ۱۹۲۱ يك معجزه تاریخی در ایران بوقوع پیوست . رضاشاه کبیر آمد تحولی شدید و سریع و ناگهانی در شئون اجتماعی و فرهنگی ایران آغاز گردید همه چیز در مسیر جدیدی افتاد . هنر نمایش هم ، پشت سر هم تئاترها باز میشد . در مراسم و جشنهای دبیرستانها برنامه‌های تئاتر اجراء میگردد مردم ایران با این هنر آشنا میشدند و بدان دل می‌بستند .

در ۱۹۲۷ نخستین مؤسسه آموزشی تئاتر «کلاس تئاتر» از طرف شهرداری تهران افتتاح شد . در ۱۹۴۰ «هنرستان هنرپیشگی» گشایش یافت . در ۱۹۴۱ يك تئاتر بزرگ بنام تئاتر دائمی تهران بوجود آمد که امروز با احترام مؤسس آن بنام (تئاتر نصر) نامیده میشود .

در ۱۹۵۸ اداره‌ای بنام «اداره هنرهای دراماتیک» در هنرهای زیبای کشور تأسیس شد . در ۱۹۵۹ هنرستان هنرهای دراماتیک افتتاح گردید که در آن فنون :

(نمایشنامه‌نویسی - کارگردانی - هنرپیشگی - تاریخ تئاتر - تاریخ ادبیات - دگر سازی - طراحی - فن بیان - نمایش عروسکی) تدریس میشود .

در سایه طرحهایی که اینک از طرف وزارت فرهنگ و هنر در زمینه تئاتر بمرحله اجرا درمی‌آید میتوان امیدوار شد که این هنر بنحو سریعی پیشرفت نماید .

افتتاح فرستنده تلویزیون در سال ۱۹۵۶ نیز در جلب رغبت مردم به تئاتر تأثیر فراوان داشت . اگرچه در آغاز کار صاحبان تئاترهای غیر دولتی تلویزیون را رقیب خود میدانستند و از این بابت اظهار نگرانی میکردند در عمل مشاهده شد که تئاترهای تلویزیونی که اکثر آنها تک پرده‌ایست نه تنها بینندگان را از تئاتر بی‌نیاز نمی‌کند بلکه با جلب رغبت مردم به تئاترهای مشتریان تازه بسیاری برای تئاترها فراهم میکند .

ذکر این نکته بجاست که بموجب يك آمار رسمی از سال ۱۹۵۸ تاکنون متجاوز از ۵۰۰ نمایشنامه تک پرده‌ای بوسیله اداره هنرهای دراماتیک تهیه و در دو مرکز فرستنده تلویزیون در تهران اجرا شده‌است که ازین آنها ۸۰ نمایشنامه بقلم نویسندگان جوان و فارغ التحصیل هنرستان هنرهای دراماتیک بوده‌است و این نمایشنامه‌ها چاپ و منتشر شده‌است .

در پایان بحث مربوط به تئاتر این نکته را باید گفت که در این یکصد سال که از تاریخ معرفی «تئاتر نو» و متجاوز از پنجاه سالی که از تاریخ شروع نمایشنامه‌نویسی در ایران میگردد علاوه بر ترجمه و اجرای شاهکارهای جهانی در این زمینه آنچه بقلم نمایشنامه‌نویسان ایرانی نوشته شده و بروی صحنه آمده در سه زمینه زیر بوده است :

۱ - نمایشنامه‌های حماسی و تاریخی که عموماً بر تاریخ باستانی ایران مبتنی‌است یا از داستانهای منظوم فارسی اقتباس گردیده و مشهورترین آنها (رستم و سهراب - بهرام گور - رستاخیز سلاطین ایران - مازیار) بوده‌است .

۲ - نمایشنامه‌های عشقی : نظیر (خسرو و شیرین - شیرین و فرهاد) .

۳ - نمایشنامه‌های انتقادی و سیاسی که بهترین نمونه آنها (جیجک علیشاه) و (جعفرخان از فرنگ آمده) را باید نام برد .

در تحول ده ساله اخیر نمایشنامه‌هایی بوسیله هنرمندان ایرانی در صحنه‌های خارج از کشور نیز اجرا گردیده از آن جمله در فستیوال جهانی تئاتر در پاریس بسال ۱۹۵۸ (بلبل سرگشته) بروی صحنه آمد و مورد توجه و تقدیر ناقدان بین‌المللی قرار گرفت .

اینک در آخرین قسمت سخن به هنر سینما می‌پردازیم :

بطوریکه شونندگان گرامی میدانند هنر سینما هنر جوانی است که آغاز آن از سال ۱۸۹۴



است که بدنبال مقدمات قبلی يك دستگاه فیلمبرداری بوسیله برادران لومیر در فرانسه ساخته شد . در همان اوایل کار در ۱۳۱۸ قمری (۱۸۹۹) يك دستگاه دوربین فیلمبرداری بوسیله شخصی بنام میرزا ابراهیم خان عکاس باشی بایران آورده شد اما سینما در آن روزها هنوز درجهان بصورت هنری درنیامده بود تا چه برسد بایران .

مقارن با قیام رضاشاه کبیر سالنهای سینما در ایران ساخته شد . در آن روزها فیلمها صامت بود در هر سینما شخصی در فواصل پردهها و ضمن نمایش فیلم داستان آن را تعریف میکرد . در سالنهای سینما جای زنان و مردان جدا بود .

نخستین فیلم ایرانی دوفیلم صامت (آبی‌رایی) و (جوان بلهوس) بود که در ۱۳۱۱ (۱۹۳۲) در تهران ساخته شد .

در سال ۱۳۱۲ شمسی (۱۹۳۳ میلادی) نخستین فیلم ناطق فارسی بنام دختر لر که بدست ایرانیان در بمبئی هندوستان ساخته شده بود ابتدا در تهران و بعد در شهرستانها بروی پرده آمد . این فیلم مورد استقبال عظیم قرار گرفت و سالها و بطور مکرر در شهرهای مختلف ایران نمایش یافت و توجه ایرانیان را بهتر سینما جلب کرد حتی بسیاری از ایرانیان نوزادان خود را بنام ستاره آن فیلم گنثار نامیدند .

در سال ۱۳۲۶ (۱۹۴۷ میلادی) بعد از پایان جنگ دوم جهانی دومین فیلم فارسی بنام طوفان زندگی بی بازار آمد . از آن سال بعد سینمای ایران نیز مثل سایر شئون فرهنگی و اجتماعی ایران جهشی یافت و دهها استودیوهای فیلم برداری در تهران دایر گشت و فیلمهای محصول ایران بر قایت با واردات فیلم خارجی برخاست .

امروز سینما در ایران یکی از رایج ترین وسایل تفریح و سرگرمی عمومی است . نظر با اهمیتی که این صنعت از نظر آموزش عمومی دارد دولت از سرمایه گذاری در این راه تشویق می کند . از آن جمله سینماهای نوساز در شهرستانها تا پنج سال از پرداخت مالیات معافند و علاوه بر آن پنجاه درصد سرمایه لازم بعنوان وام در از مدت در اختیار آنان گذاشته میشود .

در حال حاضر تعداد سینماهای تهران از صد و شصت متجاوز است و در این سینماها علاوه بر فیلمهای فارسی ، آخرین فیلمهای هنری جهان بصورت دوبله نمایش داده میشود .

در این بیست سال صنعت فیلمبرداری در ایران سرعت پیش رفته و تعداد فیلمهای تهیه شده بفارسی از هزار گذشته است . در سال ۱۳۴۶ (۱۹۶۷) تعداد ۸۶ فیلم فارسی بوسیله ۱۲ استودیوی فیلمبرداری در تهران تهیه و نمایش داده شد .

از مجموع آنچه جداگانه درباره هنر هنری گفتم و با عطف و عنایت استماع فرمودید وضع هنرهای زیبا را در ایران جدید در چهار مرحله خلاصه میتوان کرد :

- اول - دوره آشنائی با هنر جدید غربی از اواسط قرن نوزدهم .
- دوم - بیداری و احساس رغبت و نیاز باخذ هنر جدید از انقلاب مشروطیت ایران در ۱۹۰۶ .
- سوم - آغاز هنر جدید مقارن با انقلاب رضاشاه کبیر در ۱۹۲۰ .
- چهارم - نهضت و جهش هنرهای زیبا از دوره سلطنت شاهنشاه آریامهر مخصوصاً مقارن با انقلاب سپید ایران .

در این مرحله اخیر از بارزترین نشانههای اراده شاهنشاه و ملت ایران به حفظ میراث هنر ملی و تکمیل و توسعه و اعتلای آن بر اساس موازین علمی جهانی تأسیس يك وزارتخانه مستقل برای امور هنری است که اینك با اینکه چهار سال بیشتر از عمر آن نمیگذرد هیجان و فعالیت عظیمی در زمینههای مختلف هنری ایران برانگیخته است . و تازه ترین اقدام این وزارتخانه جدید تهیه لایحه قانونی حفظ حقوق آفرینندگان آثار هنری است که همین امروز در مجلس شورای ملی ایران مطرح بوده است .